

سقوط باستیل

۴- شاه در وسای و هجوم زنها
اطراف کالکاس سلطنتی جلو و عین آن را آنوه چینی که
مثل پاک نمودند زور دور خود میگشیدند و لول بزیر احتمله سکوند سرو
دست نمی شکستند از روی شوی هم بالا میبرندند و برضی بیست و
پانزاده را کشیدند و از روی شوی هم بالا میبرندند و برازی گلوله
مردانه بدهند تا بزرگ شوند و هر چند که شوی هم بالا میبرندند ولی دور آنها را کنندن چنانی
نهایتی داشت شور و موکر نباشد چنانی به است که درست و از سر و روی توپچیها
بر روی توپچیها برسند و همه چیز را بازگردانند و دندان و زبان و مردها
درسان و دختران - کودکان و سالمندان را کشند که سر از آنها هر دست و
سرورت باشد اینست که خوش و بد - باز و باز روای اینها داشتند و خود را دست جنی
باز و خوب و سبز اینها کن و لای بشیش من کشندن در پای و دستان و پستان و از پستان
از هر طرف کوشش را کنند و درین این همه و قل و قول سهی اینست کشندن
که نام بیرون از این سهی شنیده شده است آنها صدای بله میتوانند دارند
من آنیم نای بیک اینها شنیده اینها هر دست خود آورده اند - باز نیز اینها همچو
آنها - سربازان شاهی را کشند و دلخواست و دارم در درین کشند با اینها
باشند پیش اینستند آنها نیز کشند و دود و شراب را میستند و
باشند می آورند - حالا دیگر از این سربازان همچو خود و خاستی نداشته
همه ماستها را کشند که دندان - آنها در آغاز سر ک شنیده های خود و
کشند و با شنیدن همچو میرفته و هبوب یکی از اینها کارهای میباشد
سر ازی را آرام کنند و آتش شاهزادی را در آنها خانوارش ساختند و دود و می
درینک شد از مصمره ازی برداشت و شویش و اغلاف کردند - هشت ساعت
دیگر شد و شاهزاده سلطنتی هم سه و مامن و از مدنی یک خوار
و گرسنگی به توپلیزی رسیدند و نهاده دادند که با آزو زدها و غذاها هی
شروع کردند و نهاده را با راضی گشیدند شکار از سما بهتر آن است
به شاه و ملکه ۱

در یکی از اکلاهای بست س مردی بغار و مذهب اش بشه بود
شعله ای و بعد از این چیزیان راه میگذند - زبانه میگذند - مسدوده و بکه ایک ای

باشد مثل هر از تو کی کلکه چون بیره و چن موردا دا کند تغایر اند مسلطش
خطر ینه، این مرد هرسن بود که ملک و دوست می داشت و دف رنگ گشی
آن هشت شتره مشته.

ایک خود کیلیک هم برای فرستادت
کیک مردمه گردید است مطابق اخبار
آذاس پارس مورخ ۱۴۷۱/۷/۲۰—۱۴۳۲

(توپون) ساخته ظاهر کیل کل در
روز اول از کیلیکشن خلاص گردید
که کارمندان حرب نسبویل رامبلیک
(مالبیت) را می خواهند بروزی
سچ ناید و همه شوری خوردند
و یکی از آنها حرب نایرید چون بد
و دامت و دامت و دامت و دامت به خوش برد
مقابل ملت آگاهید یعنی امر مخالفت
گردید و خسالی شنکلای داده عده بیشین
نمیست آنها هزار خانی شدیدی در

ایک باز هم سرخ هووات بارکش
نمی خواهد یعنی اوسکو و هری
و دست آنها موقعت و مدنی نیست
کیل چون ساقا سلیم همه و ملت خود
را خود راه بازی سلام سلام خواهند
بین تریا خیره اشاره هیتلر بدوک
دوکی هم و مختار برای صبح آزوی
سر بازان نازل متشدید است اوسکو
خرشیده و اولی از ترس ایکه ملکی
له وی شورش کشک محدود شد
استندار را نیتا سر برانه، مطابق
اخبار آذاس پارس مورخ ۱۴۷۱/۷/۲۱
بدوک تهم اخبارات همه مقتله را به
کیل کل کشید

دال دا

از آنها گذشتند ممکن‌داران
هر چند لغت اولان باشند و پیش از
نمایند زده اینها ای باقی میانه‌های این
محدود (۱) و ما در هم یا به شفوت
گرفتند ولی برای حاضر سواد آنها
پس از میکنند باشد بزرگ درجه ۱ پیش از
از این پست که از اختلالات این آنکه
محدود (۲) میانه می‌باشد از آنکه
مطابق با خواهد داشت مورخ از روزه
روزگاری در تطبیق است و آنکه استفاده
دانندگان همچنان و وزیر جنگ میرزا
لطفعلی‌خان استفاده نداشت اما
کارآمد بودند و بعده که کیمیلیک هم
روانی استفاده شدند

امکار خانه پریعن کرت و از پاکتاطمه کوشیدهای تاریخی آندا و دهن کرد.
پول و سکه قصه کمانهای را در دو کمودی بزیر از طبق فرش
بیندند و آن می خواست که ماده با اعاظت و زرسی تاریخی و همین مشهد
از رویهای باز امکار خانه بارگرم ب چیزی بیندهم و هوای تاریخی نیه
شود.

四〇四

در پایه دروازه، بروز و نیزه و نکتظر، آمده ازه طرف
با درخان چنان اعماق شده و عمق میان آرام خود گرفته است در حاشیه
اطراف دو عالم نکر فروخته آغاز و خارج شدنی سر من جانشند در وری سامل
سکنی بازی که پوکی که از عطف بوشیده است توپا دروازه کشیده هرین در
نشانی در پایه و درخان پیش خود مکار مکد «مثل اینکه آینه زده است».
پلاکی ساخته باشد شنیده از همانها و شهر فرازدار و وزیر یادداش لفاضه کتاب الله
سکونی سابل دیده بیشود. سایه صحره های بروز سابل در سطح دروازه
نمیگشند شده و نکه از این راه تر کرد است.
امحاث ازدواج و گوشه محبوب نوبنی است. اینجا همانه بیک ورس

او ایستگاه دروازه‌ی سکون قدم نمی‌خورد و بکار یافتن عینی و پرسنی سرور سده
در پایان پیدا کرد.

این پیشنهاد را می‌خواهد بروزرسانی کند و آنرا به این شکل در میانه متن این مقاله نمایند.

پیشو اسر باز میخواهد!

گردید و نکلی در پرتوی آن لب خانه با یاده شده و در مدخل آن
کوکه آشی را داشتند کنی چنانجا و خیره کرده با این درد گزینه
نه رازی و بیرون نمکن. آزم اعمور و روز آفریزی را دست کردندشیده
روز و مردم روزه و نسخه المکومیو باخوانی و خدمه صحت میگزند.
آزم صفتی همچوقد و ایمانه همچوقد برینما همچوقد
اگر یکممه دیگر همچوقد نکنم منک است دومن و آزادی هم برای چه
هر سر بریزیم یعنی همه اعتراف آنکه رازه داشت این اعتراف
پیش از این مواجهه از آنها میگزند.
اما اخراج همچوقد نیست. اولیتیت همچوقد است. می بینیم اصولی
شد و گرفتار شدن. پایه همچوقد است. آزم اعمور همچوقد است. و بو خون همچوقد
شده و سکی داریز همچوقد است. پایه همچوقد است. کنایت همچوقد است.
گزینه است که در جرمین همچوقد است. ولی اخراج نویسه شده پیکایش تویی
میگزند این است که پایه شدی تویی.
نمای اسری این گستاخانی داشتند و تکنی داده با انکسار طوطوجه اصله کردند
ولی وصیتی نداشتند. پرسچان. دومن است. اگر پیش رویت هم آذینها

لعل سعادتكم هم والا يابا بغير يوم وبحكم يوم وحي ورسوت
كذلك لا ياخذكم معلم ويدعى مند احسن اوصيانيات ما يربى
آدم زریب کند

— آمری

— اوصیت خال و جدها حسیاریم نکند شرها اذیتیان نکن.

— آمری پدریان دسته گل کنیا باشیم که یابه لازم و چه مان
دوشون

وائمه الکومونیک آهن گذاشت آمریت را از کوده بیرون گشته

آزمایش سکریوں کے روی میان غرایہ اشتگرہ نا قوت نام دور

پادشاهی زمان

دکتر اراثی - ۵۰ -

یک از پلاسما نمودار اروپا
ه: تا حال سکانر ملasse دنیا
بری خلقت و پاف و شرح آن
روزه و ایندیشاندن مهارتمند
بست که باید آن خان را
نمایند و طبق آنها هفتم
کمک که هر چهل یاری برای
حال مولویانه که بدست اصلاح
بنای اربع و بن برداشت اگر انسان
خواهد با خفت بسته آنرا
نمی ساخت و از این ساخته
از ملاده داده که همانند
آن گردشی چهارده هزار آنها
بشدید خود را می داشته در
برای زمان ایات و توافق اینها
جذب و جذب آنها می شوند
جهد و جهاد آنها می شوند
نامه سوزان اعلی این خود
نکر سرو خود را و ادب نوشته
را خفت شرید. چندت
داد و آزادی خفت و خفت نوع
وصل گذاشتند. تولد های خوب
به خفتی که در صیدن. در میان
کسانی که تو نوائیده
خان و خراجات و اورجده طلاق
نه بیان بهسته اگر اسلام از
آن خواره خواهد شد. میانه
آن انسان شد و سه شنبه اشکان
و اگر برو برسیله دسته های خواره
و دسته های صالیل. آن همان در میان
بری تکانی خفت شدم من شو و
اجاهه بینده که این برج در میان خود
گردید. اتفاق و خود را آنست که
اصنایعت شر است. آنی ای اسلان
پندت و پندت های اینکه بینده. شد
محصول تکانی خود اینه است
تا این تکانی خواره خود را است
های خواره خود را کشیدن خود را
و خس خواره خود را مکار از اینی بینده

1

وچون پایه از مستاجرین خالص ناگفته باشند جنس خود را در میان سکه
در گرداند باشند مکانهای راه را برخورد کردند و در اینجا که از روی سما
در میان سکه های این افسوس که جس مورخ اخراج کردند میخواستند
راشکی طبق مقررات اسلامی تدبیر موقت نهادند و مختار جنس میخواستند
موقیع داشتند و هر یک جنس را از خارج گذشتند و آنها
در مواجه شدند.

1773, 23, 24, 25, 26

مشترکین مردم

او ساختن و وزارتیه تا خیریه نهاده تا خانه شماره ۹۶۴۳ دعم و فرماده
لومندو-سکو (۱۱) آبدیده فولاد قصل سوم شعبه ۱۳۷۰
و متن را پشت کلمکه ازه هولت دارد. بدیلیک تابعه موهانی هاتکی
آنچه بخوبی در فرماده داشته باشد. هر دو (وزارتیه سازن کوره) چنان
چه کدام از سه مردانه برگشته است. هر دو (وزارتیه سازن کوره) چنان
و اسلام نهادن را که از کارکو و متوسط اهلان بود ممکن نگردید. هر دو (وزارتیه سازن
آنچه بخوبی را بازداری نداشت و گفت که هر سه از توئینه خالص احمد
هر دو (وزارتیه سازن) و همانند و میلانه از دست و مکن است زر و قدری تجربه ای پیش نباشد
و آنها هم کوشش زد از است و مکن است زر و قدری تجربه ای پیش نباشد
نه این اتفاقات خواهانه سفر نموده هزار پیش مصطفی ساخت
علوک گرد و بگانه از هر کوچه های مرتبه ای انتظار زیانی خواهد بود
همه حالی و حاضری مانند بودند.
یکی از اینها کوچه ای (وزارتیه سازن) برونو-سکو آمده بودند
که هر چند گفت: «این روز است که شورهت هر سهند و لی مادر
- مادر چون، اینرا سکون، این روزی است که شورهت هر سهند و لی مادر
رض پاش پاک کلهه یکی نمکوی
که هر روز است روانا ای شکر ای همان روز است
- خلی هستگرد، اگر که خلی هستگرد چهماچیزی شاهنشاهی خورد
آن مبلغ از این روزی بود که بوکل ایک پیش (وزارتیه سازن) گفته است بود
که از همان روز ای صد و هشتاد و سکوی طرف سکونا چات نمیر که هر دو (وزارتیه سازن)
مطرب پیش خود فکر نمکردند.
«همه هم پیش بیش میاید، اگرچه احتساب شکست نه و کارگران
اصلاح کارکنند و ای آتش روشن نه و دیگر خاموش نباشند اما این
کارمند و وسائل را بضریحه »

